

ب ۴۶۵- بررسی تاثیر درمان با تاموکسیفن و CMF وضعیت الکتروولیتها و عناصر کمیاب سرم و بافت نومور در موشهای صحرایی مبتلا به سرطان تجربی عدد پستانی بزمی نعمت... ۱. تابنده محمد رضا<sup>۱</sup>, باغشنبه حسن<sup>۲</sup>.  
بخش بیوشیمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز.

تغییر غیر طبیعی مقادیر عناصر کمیاب در سرم و بافت بیماران مبتلا به انواع سرطان‌ها شناسایی شده است. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر درمان با CMF و تاموکسیفن بر سطح عناصر کمیاب سرم و بافت نوموزی در یک مدل تحریک سرطان در موش و کاربرد آن در پیشگویی پاسخ به درمان می‌باشد. روش‌ها: تعداد ۴۰ عدد موش صحرایی ماده تزاد آسیه‌راگ داولی به ۴ گروه شامل گروه ۱: کنترل منفی، گروه ۲: کنترل مثبت (موش‌های سرطانی بدون مصرف دارو)، گروه ۳: درمان با CMF (۱۰ mg/m<sup>2</sup>/۲۰/۱۰ mg) و گروه ۴: درمان با تاموکسیفن (۰ mg/day) تقسیم شدند. در هر گروه القا سرطان عدد پستانی با خواراند ۲۰ mg از ترکیب DMBA صورت گرفت. بس از بایان دوره درمان (۲ ماه) در نمونه‌های سرم و بافت مقادیر عناصر مس، روی، سلنیوم، کلسیم، منیزیم، منگنز و کیالت با استفاده از اسمکتوفوتومتری جذب اتمی اندازه گیری شد. نتایج: بطور کلی کاهش معنی دار مقادیر سرمی و باقی روی و افزایش معنی دار کلسیم، منیزیم و منگنز و نسبت Zn/Cu در گروه کنترل مثبت نسبت به گروه کنترل منفی مشاهده شد ( $P < 0.05$ ). در مصرف دارویی تاموکسیفن کاهش معنی دار سطح سرمی و باقی کلسیم نسبت به گروه کنترل مثبت مشاهده شد ( $P < 0.05$ ). آندر CMF برخلاف اثر تاموکسیفن بود. در مصرف دارویی تاموکسیفن افزایش معنی دار منیزیم سرم مشاهده گردید اما CMF همچ تغییر معنی داری در سطح منیزیم ایجاد ننمود ( $P > 0.05$ ). هر دو دارو سبب افزایش معنی دار غلظت روی و کاهش نسبت Cu/Zn بعنی اصلاح وضعیت روی سرم می‌سود ( $P < 0.05$ ). که تاموکسیفن تاثیر بهتری دارد. نتیجه گیری: مصرف دارویی تاموکسیفن تاثیر بهتری بر روی اصلاح وضعیت عناصر کمیاب سرم و کاهش نسبت Zn/Cu دارد.

ب ۴۶۶- مطالعه اثر درمانی غصروف کوسه جانه سفید خلیج فارس بر سرطان عدد پستانی القاء شده با استفاده از DMBA در موش صحرایی رذیقی نعمت... ۱. تابنده محمد رضا<sup>۱</sup>, کلالان مقدم حمید<sup>۲</sup>, بایان‌خانی ابوالفضل<sup>۲</sup>  
بخش بیوشیمی دانشکده دامپزشکی شیراز بخش فیزیولوژی دانشکده علوم پزشکی شاهراه

مقدمه: کوسه به دلیل محتوای بالای غصروف و وجود ترکیبات مهار کننده رگسازی بندرت به سرطان مبتلا می‌شود. با اسحال به دلیل ازانه نتایج متفاوت در مطالعات از مایشگاهی و بیش بانی مصرف غصروف کوسه بعنوان بلک درمان حایگرین یا مکمل همچنان مورد تردید می‌باشد. روشها: ۶۰- قطعه موش صحرایی تزاد آسیه‌راگ داولی به دو دسته ۲۰ تایی PRTE (که همزمان با القاء نومور درمان صورت گرفت) و PSTE (که بس از تبیت نومور قابل لمس درمان انعام گرفت) و در هر گروه نیز به دو گروه ۱۵ تایی درمان و کنترل (القاء نومور بدون درمان) تقسیم شدند. القاء نومور با استفاده از ترکیب DMBA بیمزان ۲۰ میلی گرم در ۲ میلی لیتر روغن درت انعام شد. غصروف موردنیبار از سنتون و فقرات کوسه جانه سفید خلیج فارس تهیه شد. حیوانات گروه درمان ۲۰ رور بس از القاء نومور، غصروف کوسه بصورت مخلوط با عذا با در روزانه ۱۰ میلی گرم بازای هر موش بقدت ۲۰ رور در رافت بمقادیر در گروه درمانی PSTE در مذکور بمدت ۳۰ رور و بس از ایجاد نومور قابل لمس مصرف شد. در روزهای ۱۰، ۲۰، ۳۰ و ۴۰ از القاء نومور میانگین وزن گیری، رهان ایجاد، تعداد و حجم نومور شای ایجاد شده ارزیابی و نتیجه گردید. نتایج: نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد تا آنها بس از درمان از نظر تعداد و اندازه نومورها بین گروه درمان PRTE و کنترل آن اختلاف آماری معنی داری وجود نداشت ( $p > 0.05$ ). میانگین وزن گیری در طول دوره درمان در گروه درمان PRTE بطور معنی داری بیشتر از گروه کنترل PRTE بود ( $p < 0.05$ ). در گروه درمان PSTE، دو ماه بس از درمان نومورها بطور قابل توجهی تحلیل رفتند و اختلاف آماری معنی داری بین اندازه، تعداد نومور و میانگین وزن گیری با سایر گروه‌ها مشاهده شد ( $p < 0.05$ ). نتیجه گیری: مصرف حوارکی روزانه ۱۰ میلی گرم غصروف کوسه بازای هر موش بقدت ۲۰ رور سبب تحلیل نومور بس از تبیت آن می‌شود و میانگین وزن گیری افزایش می‌باشد، ولی مصرف غصروف کوسه بصفتی نتواند از ایجاد نومور مهاریت بعمل آورد.

ب ۴۶۷- تعیین حساسیت آنتی بیوتیکی سوبه‌های سالمونلا و اشربیشاکلی جدا شده از کمپوتان شهر کرمان<sup>۱</sup>، احمدی ابوالفضل<sup>۲</sup>  
گروه باتوبیولوژی دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان<sup>۳</sup> دانش آموخته دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه: کمپوتان به عنوان یکی از حاملین سالمونلا و اشربیشاکلی در ایدمیولوژی برخی بیماری‌های عفونی حائز اهمیتند. هدف این مطالعه جداسازی سالمونلا و اشربیشاکلی از مدفع کمپوتان شهر کرمان و تعیین حساسیت آنتی بیوتیکی آنها بوده است. روشها: طی دوره زمانی ۶ ماهه در سال ۱۳۸۴ از ۱۲۵ نمونه کمپوت خانگی نمونه سواب رکتال تهیه شد. در آزمایشگاه باکتری شناسی نمونه در محیط مک کانکی و سلیت F کشت داده شد و با استفاده از محیط‌های بیوشیمیائی EMB MR-VP, SIM, TSI و اووره باکتری‌های سالمونلا و اشربیشاکلی شناسایی شدند. حساسیت آنتی بیوتیکی باکتری‌های جدا شده بروش انتشار دیسک، نسبت به کلامافیکل، ازوفلوكسازین، فلاکونین، لینکواسپکتین، آمپی سپلین، جنتامایسین، تراسایاکلین، فورازولیدن و تری متوریم سولفامتوکسازول (SXT) تعیین گردید. نتایج: با توجه به نتایج به دست آمده از ۳ نمونه (۲/۷۵٪) سالمونلا و از ۸۱ نمونه (۸/۶٪) اشربیشاکلی جدا شد در تست تعیین حساسیت آنتی بیوتیکی شخص شد که سوبه‌های سالمونلا جدا شده به لینکواسپکتین، تراسایاکلین، آمپی سپلین، جنتامایسین و فلاکونین مقاوم بوده اند. هر چهار سوبه سالمونلا تست به SXT و ازوفلوكسازین حساس بودند. تمام سوبه‌های اشربیشاکلی جدا شده نسبت به یک با چند آنتی بیوتیک مقاوم بودند که بیشترین مقاومت نسبت به تراسایاکلین (۱۰٪)، آمپی سپلین (۱۰٪) و فلاکونین (۱۰٪) و کهترین حیوان مقاومت نسبت به ازوفلوكسازین (۹۵/۰٪) بود. نتیجه گیری: سوبه‌های سالمونلا و اشربیشاکلی جدا شده از کمپوتان دارای مقاومت نسبت به برخی از آنتی بیوتیکی می‌باشند و ممکن است کمپوتان در انتشار این سوبه‌ها نقش داشته باشد.

ب ۴۶۸- خلاصه مقاله فارسی ازانه نگردیده است لطفا به خلاصه مقالات انگلیسی مراجعه نمانند.